

نقش کمیسیونهای امور بانوان در جلب مشارکت زنان در امر توسعه

نوشته: زهرا شجاعی

خلاصه مقاله:

هدف اصلی کشورها از توسعه پایدار به معنای رفع عقب ماندگی از تمدن پیشرو انسان می باشد. توسعه از نظر اقتصادی به معنای رشد صنعتی و هدایت اصولی اقتصاد بازار و از نظر اجتماعی به معنای گسترش دموکراسی و عدالت اجتماعی است، از سوی دیگر برای رسیدن به توسعه باید به ثبات اجتماعی دست یافت و این جز با تأمین عدالت و آزادی ممکن نیست و در این راه، تأمین عدالت و جلب مشارکت جامعه زنان بسیار حائز اهمیت می باشد. بعد از انقلاب اسلامی ایران، زنان ایرانی دوشادوش مردان، حضور و مشارکت جدی و فعال خود را در صحنه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی به معرض نمایش گذاشتند و به جرأت می توان گفت که مشارکت همه جانبه بانوان در مراحل مختلف تکوین و تأسیس و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران از دستاوردهای مهم انقلاب محسوب می شود. از آنجایی که از اهداف اساسی وزارت کشور، حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی با استفاده از مشارکتهای مردمی است، لذا صیانت انقلاب اسلامی از این دستاورد و افزایش سطح مشارکت بانوان از وظایف مهم این وزارتخانه می باشد و در این راستا، دستورالعمل تشکیل کمیسیونهای امور بانوان توسط مقام محترم وزارت کشور در سال ۶۹ تهیه و ابلاغ گردید به طوری که هم اکنون حدود ۲۴۳ کمیسیون در سراسر کشور تشکیل گردیده است.

کمیسیونهای امور بانوان وزارت کشور با توجه به گستردگی و حیطة وظایف و مسئولیتهای آن در راستای برنامه های توسعه کشور در ۴ حوزه ذیل توان فعالیت دارد:

- ۱ - توسعه اقتصادی
- ۲ - توسعه اجتماعی
- ۳ - توسعه فرهنگی
- ۴ - توسعه سیاسی

برای نیل به اهداف فوق و با توجه به عضویت نمایندگان وزارتخانه های مهمی همانند آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و... که نقش عمده ای در پیشبرد و رهیافت توسعه دارند، کمیسیونها آینده بسیار روشنی را در پیش رو دارند. مهمترین کارکردهای کمیسیون که مورد بحث قرار خواهد گرفت به قرار زیر است:

۱- نقش کمیسیون در پیشبرد اهداف فرهنگی - اجتماعی جامعه (از طریق ارتقای سطح آگاهیهای اجتماعی - فرهنگی و سیاسی زنان استان و آگاه سازی جامعه و تصحیح بینش توده مردم درباره جایگاه و نوع فعالیت زنان)

۲- شناخت و تحلیل مسایل جامعه زنان از طریق انجام پژوهشهای بنیادی - کاربردی در مراکز استانها یا شهرستانها.

۳- نقش کمیسیونها در جهت جذب و تحکیم مشارکت سیاسی و اقتصادی (از طریق رفع موانع مشارکت سیاسی و اقتصادی و ترغیب و ایجاد انگیزه جهت حضور فعالانه بانوان در صحنه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)

۴- ایجاد کانونهای فرهنگی - اجتماعی به عنوان عامل اجرا کننده تصمیمات کمیسیونها در بین زنان منطقه

مقدمه:

توسعه هدفی است که اکثر مردم آنرا ضروری می‌دانند و هر کشوری برای دستیابی به آن تلاش می‌کند. توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست بلکه علاوه بر جنبه مادی و معمولی زندگی مردم، سایر جنبه‌ها را نیز دربر می‌گیرد، لذا باید بعنوان جریانی چند بُعدی که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهتگیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است، مورد توجه قرار گیرد. توسعه علاوه بر تولید و بهبود وضع درآمدها، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساختار اجتماعی و اداری و نیز طرز تلقی عامه در بیشتر موارد، حتی آداب و رسوم و اعتقادات است، بالاخره توسعه اگرچه معمولاً برحسب یک چارچوب ملی تعیین می‌شود، معذک تحقق وسیع آن می‌تواند موجب اصلاحات اساسی در نظام اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی شود.

یکی از عوامل بسیار مهمی که به تداوم عقب ماندگی و توسعه نیافتگی کمک می‌کند، انتقال ارزشها، طرز تفکرات، نهادها و معیارهای رفتاری جهان اول و دوم بدون انطباق با فرهنگ

کشورهای جهان سوم است. فی‌المثل انتقال ساختها و نظامهای نامناسب آموزشی و تربیتی، تشکیل اتحادیه‌های کارگری نوع غربی، تشکیلات و جهتگیری خدمات بهداشتی و تشکیل سازمانهای زنان براساس اصول و اهداف جنبشها برابری زنانه^(۱) و بالاخره ساخت و کارکرد نظام دیوانسالاری و اداری، بسا نیازهایی که اولویت دارند و نیز با عرضه نیروی انسانی موجود در کشورهای در حال توسعه تباین دارد.

به نظر «گابریل آلموند» و «سیدنی ووبا» علت عمده توسعه نیافتگی در کشورهای جهان سوم، مسایل تاریخی، روانی و فرهنگی است، بدین معنی که در طول تاریخ در این نظامها نوعی فرهنگ پدید آمده که مانع از پیشرفت و توسعه سیاسی می‌شود. آنان معتقدند که می‌توان با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون بالابردن سطح سواد و توزیع مجدد ثروت، بتدریج آثار سوء روانی و تاریخی را از میان برد و افراد را برای پذیرش مسئولیتها و ایفای نقشهای سیاسی جدید و نیز وارد شدن در فرآیند تصمیمگیری آماده ساخت. بنابراین یکی از خصوصیات کشورهای توسعه نیافته جهان سوم

ضعف مشارکت سیاسی مردم بخصوص زنان است. زیرا سطح پایین سواد و آموزش و نوع حکومتها که اغلب استبدادی و خودکامه و وابسته است) و فقر شدید منجر به کاهش حضور مردم بخصوص زنان در عرصه سیاست و مشارکت شده است. لذا «آلموند» و «کلمن» ویژگیهایی را برای «توسعه» برمی‌شمارند که در نهایت به تقویت مشارکت سیاسی می‌انجامد. این خصوصیات عبارتند از: روحیه بالای شهروندی، بالابودن سطح سواد و درآمد سرانه، تحرک وسیع جغرافیایی و اجتماعی، میزان نسبتاً بالای صنعتی شدن اقتصاد، شبکه‌های گسترده وسایل ارتباط جمعی و بطور کلی مشارکت اعضای جامعه در فعالیتهای سیاسی و غیر سیاسی.

طی چند دهه از آغاز شروع مباحث مربوط به توسعه، اندیشمندان غربی انواع الگوهای توسعه و مشارکت را برای ایجاد تحول مثبت و سازنده در جهان سوم ارایه داده‌اند، اما زمان ثابت کرد که تقریباً تمام این نظریات در مرحله عمل در کشورهای جهان سوم متمر ثمر واقع نشده و قادر به ایجاد تحول و تغییر سازنده در

شرایط این کشورها نیست. خرمینی (ره)» ازین جمله‌اند. امروزه تقریباً تمام اندیشمندان امر توسعه به‌این واقعیت اذعان دارند که در کشورهای عقب مانده، موج نوینی که براساس نفوذ فزایندهٔ مذهب بوجود آمده، الگوهای ثابت توسعهٔ لیبرالی و مارکسیستی را به‌زیر سؤال برده و خود بعنوان یک راه سوم در رهیافت توسعه مطرح شده است. طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مکاتب مختلف فکری، مناطق جغرافیایی و شخصیت‌های گوناگون، سهم خود را برای تعریف مفهوم تازهٔ توسعه ادا کردند - اندیشمندان امریکای لاتین نظیر «پائولو فریره»^(۲) و «گوستاوو گوتیرز مرینو»^(۳)، مبارزان افریقائی «فرانتس قانون»^(۴) و «ژولیوس ناپوره»^(۵) و پاسخ مبتنی بر اسلام امام

گرایش از آموزه‌های مذهبی مسیحیت، اسلام و بودائیسیم برخوردارند. «فریره»، «ناپوره» و «شمریعتی» همه از ماهیت انسان به نیک بینانه‌ترین زبان سخن می‌گویند. کارکرد هم‌گرایانهٔ مذهب، سیاست و انقلاب رهائی بخش به‌طرزی غیرقابل تفکیک، جریان اصلی الگوی نوظهور توسعه را بوجود آورده است. این نکته از سوی امام خمینی (سریع‌اللهجه‌ترین سخنگو و حامی الگوی وحدت‌گرا-رهائی‌بخش در این قرن) بخوبی درک شد. ایشان اعلام داشتند:

«مذهبی که علیه ستم اعلان جنگ نکند، مذهب ناقصی است». برخی از ویژگی‌های عمدهٔ این نگرش را می‌توان بشرح ذیل خلاصه کرد:

پروفسور «حمید مولانا» از آن تحت‌عنوان «وحدت‌گرا-رهائی‌بخش» نام می‌برد نه تنها برارزشهای سنتی و فرهنگی تأکید می‌ورزد، بلکه بر اتکای به‌خود، ابتکارات مردمی، ایدئولوژی خودی و استقلال از لیبرالیسم و مارکسیسم صحنه می‌گذارد.

از آنجایی که این الگو مرزهای انگزستان‌سیالیسم و انسان‌گرایی سکولاریستی را پشت سر گذاشته، تا آنجا که به‌خدا، انسان و طبیعت مربوط می‌شود، در قبال تحول انسانی از دیدگاهی همه‌جانبه و همگرا برخوردار است و در عین حال به‌لحاظ معنوی و مذهبی نیز از یک کیفیت قوی بهره‌مند می‌باشد. بسیاری از رهبران این

- یگانگی خدا و جهان بینی وحدت‌گرا و یکتا پرستانهٔ آن
- اهمیت اخلاقیات، بدیعیات (زیباشناسی) و معنویات
- برتری نظام‌های ارزشی و فرهنگی بر متغیرهای سیاسی و اقتصادی
- پایبندی و وفاداری به مفاهیم فردی، اجتماعی و جهانی بجای تحلیل مبتنی بر دولت - ملت
- ضدبلوک، خوداتکا و مستقل در توسعه با تأکید بر توان بالقوهٔ منابع داخلی
- مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و اجرای توسعه با اتکاء به‌خود و تأکید بر استراتژی توسعه از پایین به‌بالا و نه از بالا به‌پایین.

2 - Paulo Ferire

3 - Custavo gutirrez Merino

4 - Frants Fanon

5 - Julius

بنابراین درک فرایند توسعه در ایران بعنوان مهمترین نمود این موج نو که با انقلاب اسلامی به رهبری اندیشمندان حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ تبلور یافت؛ با توجه به ویژگیهای فوق، ضروری و برای شناخت ویژگیهای برنامه توسعه اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در کشور با توجه به عناصر درون جامعه‌ای خاص حاکم، بسیار مفید می‌باشد. اسلام بعنوان یک مکتب که تمام علقه‌های مردم مسلمان ایران بر اساس آن شکل می‌گیرد، مسیر توسعه را نیز برای این مردم مشخص نموده است. هنگامی که قادر به درک مفهوم «دولت اسلامی» شریم، دولتی که ابزار اصلی اراده الهی در زمین است، آنگاه قادر به تحلیل هر دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی شده و ویژگیهای جامعه اسلامی را درک کرده و نتیجتاً مسیر توسعه اجتماعی - فرهنگی خاص آنرا نیز

شناسایی خواهیم نمود. (برخلاف دو مکتب لیبرالیسم و مارکسیسم که استراتژی توسعه در آن از بالا به پایین بوده و اجرای آن بر محور خود اتکایی و با تأکید بر توسعه از بالا به پایین می‌باشد و در آن همه اقشار با هر جنسیتی و وظیفه و اجازه مشارکت دارند، و این امر زنان را نیز دربر می‌گیرد) برای شناخت روند کلی حضور زنان در عرصه توسعه که پیش زمینه‌ای برای درک روند مشارکتی زنان ایران در برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای توسعه می‌باشد. تعمق در سیر تاریخی و مفهومی اصطلاح «زن و توسعه» ضرورت دارد. اولین بار از دهه ۷۰ میلادی مسایل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرآیند برنامه‌های توسعه ملی، بتدریج وارد دستور کار سازمانهای توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید. از سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمانهای بین‌المللی، مسایل

مربوط به زنان را بوضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند و دفاتر ادارات و حتی در بعضی از کشورها وزارتخانه خاص جهت بررسی باین امور تخصیص داده شد از سال ۱۹۸۱ انتشار مقالات و کتابهای مربوط به زنان در امور توسعه به سرعت افزایش یافت.

با وجود این، فعالیتها و کوششهای موجود در برنامه‌های توسعه هنوز نتوانسته توان موجود و بالقوه زنان را در فرآیند توسعه تشخیص‌واثر این برنامه‌ها را روی زنان مشخص سازد. در طول این سه دهه پنج نظریه عمده از سوی سیاست‌گذاران و نظریه‌پردازان توسعه اجتماعی مطرح گشته که هر یک سعی دارند تا با ایجاد تغییر در وضعیت نا بسامان زنان راه را برای احیاء شرایط مطلوب و مساعد برای رشد و ایجاد هویت آنان فراهم آورند. این پنج نظریه عبارتند از:

۱- نظریه رفاه

بر اساس این نظریه اولاً زنان بعنوان عوامل بدون جنبش و انفعالی، بدون شرکت فعالانه در فرآیند توسعه و فقط گیرنده کمک به حساب می‌آمدند. ثانیاً نقش مادرانه زن را بعنوان مهمترین نقش اجتماعی او قبول داشتند. ثالثاً بدنیا آوردن بچه و بزرگ کردن او را مؤثرترین نقش زنان در همه اشکال توسعه اقتصادی بحساب می‌آورند. این دیدگاه بطور کلی تمرکز خود را بر روی نقش زن بعنوان متولد کننده و به عرصه رساننده بچه نهاده بود، درحالی که مرد را بعنوان تولید کننده محض پذیرفته و مادر و کودک را بعنوان جفت جداناپذیر مدنظر داشت. روش اصلی اجرای این نظریه از

طریق پرداخت نقدی و کالا و خدمات کافی از بالا به پایین است.^(۶)

ب - نظریه برابری (عدالت)

توجه اولیه این نظریه معطوف به عدم تساوی بین زن و مرد در حیطة زندگی فردی، اجتماعی، و بین گروههای مختلف اجتماعی، اقتصادی می باشد. به عقیده طرفداران این نظریه، ریشه زیر دست بودن زنان را نه تنها در چارچوب خانواده بلکه در روابط بین زن و مرد در بازار کار باید جستجو نمود. بنابراین طرفداران این نظریه اهمیت بسیاری برای استقلال مالی زن که به گفته آنها به برابری منجر می شود قائل می باشند.^(۷)

ج - نظریه فقر زدایی

بر اساس این نظریه نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان به فرمانبری و پایین تر بودن زن ربط نداشته بلکه نتیجه فقر است. بنابراین تأکید بر از بین بردن عدم تساوی بین زن و مرد، به سوی از بین بردن نابرابریهای اقتصادی تغییر جهت می یابد. در اینجا مسایل زنان با یک توجه خاص به اکثریت زنان جهان سوم بعنوان فقیرترین فقیرها، از امر برابری جدا شده و به موضوع فقر ربط داده می شود.

د - نظریه کارآیی

از دیدگاه صاحب نظران نقش زنان در توسعه، در حال حاضر نظریه کارآیی، یکی از مهمترین نظریه ها می باشد. طبق این نظریه تمرکز از روی «زن» برداشته شده و بر «توسعه» نهاده می شود، با این فرض که افزایش شرکت زنان در امور اقتصادی در جهان سوم بطور خودکار منجر به افزایش برابری خواهد شد، این مسئله باعث شده تا سازمانهایی مثل سازمان توسعه و کمکهای خارجی ایالات متحده (USAID)، بانک جهانی و سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه ای (OECD) تصور کنند افزایش شرکت زنان در امر توسعه اقتصادی، برابری و کارآیی را بهم متصل خواهد کرد.

ه - نظریه تواناسازی

نظریه اخیر هنوز نه بعنوان نظریه شناخته شده و نه به صورت مدون درآمده است. نظریه تواناسازی بیشتر بر اساس نوشته های جانبداری برابری زنان و مردان تجربه ریشه ای ارگانها در جهان سوم شکل گرفته تا تحقیقات زنان در کشورهای توسعه یافته. این نظریه نشان می دهد جانبداری از حقوق زنان تنها یک امر وارداتی از دنیای غرب و یک پدیده بوجود آمده از شهر نشینی و متعلق به طبقه متوسط نیست.

۶- کارولین موزر، برنامه ریزی برحسب جنسیت در جهان سوم و شناخت احتیاجات علمی و استراتژیک جنسیت ص ۳۳

با وجود اینکه نظریه توانا سازی از عدم برابری بین زن و مرد و سرچشمه فرمانبرداری زنان در خانواده آگاه است، ولی بر این حقیقت تأکید دارد که زنان مورد ظلم و تعدی متفاوتی قرار می‌گیرند که این بستگی به نژاد، طبقه، تاریخچه استعماری و موقعیت فعلی آنان در نظام بین‌المللی و اقتصادی دارد. بنابراین تأکید این نظریه بر آن است که زنان باید ساختار و موقعیت ظالم را در سطح مختلف و همزمان زیر سؤال برده و با آن مبارزه کنند.

در یک بررسی کلی از پنج نظریه فوق می‌توان ثابت نمود که نه فقط باید بانظر اقتصادی بر متون تهیه شده و شناخته شده‌تر در مورد نظریه‌های رفاهی، برابری و فقر زدایی نگاه کرد، بلکه باید نظریه‌های کارآیی و تواناسازی را بطور جدی و منظم، طبقه‌بندی نمود. بهمین ترتیب، نظریه کلی «زنان در توسعه» بجای روشن‌تر کردن طبقه‌بندیهای ذهنی مختلف و نشان دادن برتریهای هریک از آنها درباره زنان، ابهام بیشتری در فرضیات اصلی مربوط به احتیاجات استراتژیک و محلی

جنسیتی آنها بوجود آورده است. درحقیقت درست بواسطه همین ابهام است که تأکید بر وجود آمدن یک ابزار ساده و باندازه کافی محکم ضرورت دارد، تا سیاستگزاران و برنامه‌ریزان را قادر سازد با توجه به امکانات و محدودیتهای موجود در تخصیص این امکانات به زنان، ضمن معین نمودن حیطه وظایف خود در این زمینه به نتایج این اقدامات نیز توجه نمایند.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران که در آن شاهد حضور فعالانه زنان مسلمان، با الهام از فرامین حیات آفرین و نجات بخش اسلام بودیم راه برای مشارکت زنان در تعیین سرنوشت خویش هموار گشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در مقدمه و اصول ۲۰ و ۲۱ خود بر آن صحنه نهاده و در مقدمه قانون اساسی ضمن بیان مطالبی که بر زنان در دوران حکومت طاغوت رفته؛ بر استیفای حقوق آنان تأکید گردیده است و زن در کنار وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش‌آهنگ، و خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعالیت و زندگی می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر

و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. همچنین در اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی بر حمایت یکسان قانون از زن و مرد تأکید شده و هر دو بارعایت موازین اسلام از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند و بنابراین دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نموده و زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم آورد.

دوران هشت ساله دفاع مقدس، آینه تمام‌نمایی از حضور شجاعانه و پربرکت زن ایرانی در دفاع از سرزمین، هویت و اعتقادات اوست. تشکلهای خودجوش زنان در سراسر کشور در قالب ستادهای کمک‌رسانی و امداد مجروحین و تهیه آذوقه برای جبهه‌ها، پایه‌های اولیه فعالیت گروهی را فراهم ساخت و به‌عنوان نمودی عینی و مثبت از حضور فعال و مشارکت زنان در امور جهت تشکیل کمیسیون امور بانوان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. و این مهم در سرعت گسترش شعبات کمیسیون در سراسر کشور دخیل بود. این

کمیسیون در حقیقت وجود خود را مدیون زنان و دختران فداکار و با ایمانی است که با بذل جان و مال خود در مواجهه با تمام سختیها نگذاشتند تصویر زن مسلمان ایرانی بصورت تصویری خمود، در خود فرو رفته و منفعل ارایه شود و راه را برای حضور و مشارکت آنان در اجتماع دشوار و پرمخاطره فراهم کردند. این تشکلهای با پایان جنگ، همت خود را مصروف حل مسایل و معضلات مربوط به زنان در سطح منطقه خود نمودند که کمیسیون امور بانوان درحقیقت یک قالب رسمی برای شکل و فعالیت آنان پدید آورد. این فرآیند در حقیقت نشان دهنده یکی از ویژگیهای خاص

کمیسیون و اقتدار سازمانی آن از پایین به بالا می باشد. هنگامی که تشکلهای خاص زنان با فعالیتهای چشمگیر خود و ارایه برنامه های کارآمد نظر مسئولین را بخود جلب نمود، ضرورت ایجاد یک هسته مرکزی برای کمیسیونها در وزارت کشور احساس گردید. به همین علت در پائیز سال ۱۳۷۱ مقام عالی وزارت کشور طی حکمی دفتر مشاوره وزیر در امور فرهنگی اجتماعی (خاص بانوان) را ایجاد نمودند که ارتباط کمیسیونهای سراسر کشور با وزیر کشور از طریق این دفتر انجام می گرفت. توسعه و گسترش فعالیتهای نیازمند حفظ و تداوم حرکت در قالب عملکرد صحیح،

منضبط و مشخص درجهت تحقق اهداف تعیین شده بود که نهایتاً باتوجه به نتایج مثبت عملکرد کمیسیونها و با تلاش همه جانبه دست اندرکاران منجر به تصویب تأسیس دفتر امور بانوان وزارت کشور در ۲۸ آذرماه ۷۴ گردید و به دنبال آن باتوجه به تغییرات حاصله در کیفیت و گستردگی فعالیت مربوط به بانوان در وزارت کشور «دستورالعمل اجرایی کمیسیون امور بانوان» که حاصل بحث و گفتگوی رؤسای کمیسیونها و مشاوران استانداران در امور بانوان بود بالضروره و مجدداً در آذرماه ۷۵ تدوین و جهت اجرا ابلاغ گردید.

وظایف کمیسیون عبارتند از:

- ۱- ارتقای سطح آگاهیهای اجتماعی - فرهنگی و سیاسی زنان استان
- ۲- آگاه سازی جامعه و تصحیح بینش توده مردم درباره جایگاه و نوع فعالیت زنان
- ۳- ترغیب و ایجاد انگیزه جهت حضور فعالانه بانوان در صحنه های اجتماعی - فرهنگی و

سیاسی و اقتصادی

همچنین طی بخشنامه ای از سوی وزیر محترم کشور، استانداران موظف به انتصاب فردی مناسب و صاحب نظر در مسایل سیاسی - اجتماعی بانوان و ترجیحاً به پیشنهاد اعضای کمیسیون به عنوان مشاور در امور بانوان گردیدند که تاکنون تعدادی از استانداران اقدام به انتخاب مشاورین خود در امور زنان نمودند.

همچنین بمنظور سیاست گذاری، برنامه ریزی و تعیین خط مشی کلی کمیسیونهای امور بانوان سراسر کشور و ایجاد هماهنگی

میان آنها جهت فراهم آوردن زمینه افزایش مشارکت اجتماعی بانوان شورایی تحت عنوان «شورای سیاستگذاری کمیسیونهای امور بانوان» با عضویت مشاور مقام عالی وزارت کشور در امور بانوان به عنوان رئیس شورا، مشاور عالی فرهنگی اجتماعی، معاون سیاسی اجتماعی وزیر کشور، مدیر کل دفتر امور اجتماعی و سه نفر از صاحب نظران مسایل فرهنگی، اجتماعی به وجود آمد که وظایف زیر را بعهده دارد:

- فراهم نمودن زمینه گسترش فعالیت کمیسیونها
- برنامه ریزی جهت ارتقاء سطح علمی - فرهنگی کمیسیونها و کسب تواناییهای لازم در حل مشکلات اجتماعی بانوان
- نظارت بر فعالیت کمیسیونها و ایجاد هماهنگی و ارزیابی کار آنها
- پیشنهاد برای موضوعات و انجام طرحهای تحقیقاتی و اجرایی

با دقت در شرح وظایف کمیسیون و شورای سیاستگذار، به این نکته مهم می توان پی برد که در حقیقت این نهادها با استراتژی بلند مدت در جهت بازگرداندن اعتماد به نفس و خود باوری خدشه دار شده زنان در طول سالها حکومت ظلم و ستم و کمک به حل بحران هویت زن در خانواده و جامعه و نیز بازگشت زن به حیطة وظایف اصیل خود حرکت کرده و سرانجام منشاء تحولی خواهند شد که مشارکت اجتماعی زنان را به صورت خود انگیزه تحققی می بخشد. در چنین شرایطی نیازی به ظهور سازمانها و تشکیلاتی که این مشارکت را با فشار بدست آورند، نخواهد بود. برای شناخت بهتر کمیسیون امور بانوان ضرورت تعمق در ویژگیها و کارکردهای خاص آن ضرورت دارد. به همین منظور ابتدا به تشریح ویژگیهای خاص کمیسیون پرداخته و سپس کارکردهای آنرا ارزیابی خواهیم نمود:

ویژگیهای خاص کمیسیون امور بانوان

کمیسیون در طول فعالیت هفت ساله خود نمایشگر ویژگیهای خاصی شد که نه تنها در هیچ یک از سازمانهای زنان ایران وجود نداشته بلکه به جرأت می توان گفت که در سازمانهای زنان منطقه نیز بی نظیر بوده است.

اولین و مهمترین ویژگی کمیسیون را می توان در جامعیت نیروها از طریق استفاده از زنان آگاه، متخصص و متعهد شاغل در ادارات بصورت عضو دانست که بدین صورت با ایجاد ارتباط مستقیم با تمامی ادارات و ارگانهای دولتی بدون ایجاد یک بوروکراسی جدید در واقع از توانمندیهای زنان شاغل در همه ادارات و ارگانها بهره می گیرد.

اعضاء کمیسیون موظفند مسایل مطرح شده در جلسه را بلافاصله به مقام مسئول اداره یا

سازمان مربوطه منتقل و علاوه بر انجام وظایف محوله، اطلاعات و گزارشهای مورد نیاز را در زمان معین تحویل دبیرخانه کمیسیون نمایند.

در جریان این فرآیند مدیران و رؤسای ادارات با مسایل خاص زنان آشنا گشته و ناخود آگاه حساسیت لازم را در جهت بهبود وضعیت و رفع مشکلات آنان بدست خواهند آورد. این مدیران در حقیقت رؤسای مهمترین سازمانهای اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی موجود می باشند که در امر تحول بینش جامعه نسبت به نیازها، مشکلات، تواناییهای مدیریتی و اجرایی زنان نقش دارند. اعضاء کمیسیون عبارتند از نمایندگان استانداری (مشاور استاندار در امور بانوان و دبیر کمیسیون)، اداره کل آموزش و پرورش، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت جهاد سازندگی و سازمان برنامه و بودجه، صدا و سیما، تربیت بدنی، و یک نفر از خواهران صاحب نظر در مسایل

علمی، فرهنگی، مذهبی استان و نماینده بسیج خاوران.

سرعت گسترش کمیسیون در سراسر کشور دومین ویژگی مهم آن است. امروزه در تمامی مراکز استانها و اکثر شهرستانهای کشور کمیسیونها به انجام وظایف خود مشغول هستند و سرعت گسترش شعبات کمیسیون بسیار چشمگیر است. در این مسیر در سال ۱۳۷۰ کل مراکز استانها و در سال ۱۳۷۱ در ۱۰ استان کشور تمامی شهرها و در سال ۷۶ تمامی استانها و تقریباً تمامی شهرستانها را تحت پوشش قرار داده است. بگونه ای که هم اکنون تعداد شعبات کمیسیون به بیش از ۲۴۳ رسیده است. این گسترش سریع شعبات نشان از پذیرش مثبت مسئولین و همچنین قشر تحصیل کرده زنان که اکثریت اعضاء کمیسیون را تشکیل می دهند دارد و چشم انداز فعالیتهای آینده کمیسیون را بسیار روشن می نماید.

سومین ویژگی کمیسیون، توان تخصصی اعضا آن است به گونه ای که اکثریت اعضاء کمیسیون از میان زنان تحصیل کرده و متخصص در رشته های مختلف با مدرک دکترا، کارشناس ارشد و کارشناسی می باشد. زنانی که در

عرصه های فعالیت علمی - تحقیقاتی و اجرایی مشغول به کار هستند و با درک صحیح، مشخص و جامعی از مسایل کشور و شناخت اولویتهای اجتماعی در امر برنامه ریزی و سیاستگذاری در جهت رساندن زنان جامعه به آنچه در اسلام برایشان فرض شده، بعنوان یک زن مسلمان و ایرانی تلاش می نمایند. جذب این تعداد زنان متخصص می تواند بمنزله یک نیروی بالقوه جهت حرکت بسوی افزایش سطح توانا سازی زنان باشد.

چهارمین ویژگی کمیسیون را می توان در استقبال ادارات و سازمانهای دولتی نسبت به عضویت در آن بیان نمود. با گسترش حیطه کاری کمیسیون که خدمات خود را در سطح زنان معلول، زندانی و بی سرپرست ارایه نمود، سازمان بهزیستی به علت نزدیکی حوزه فعالیت خود با موارد فوق درخواست عضویت در کمیسیون را نمود که موافقت به عمل آمد. همچنین با پیشنهاد جهاد سازندگی به عنوان متولی امور روستائیان کشور و مسئول ارایه خدمات حمایتی، اجتماعی به آنان مبنی بر عضویت نماینده ای برای بررسی امور زنان روستایی

در کمیسیون موافقت به عمل آمد. اداره کار و امور اجتماعی سومین سازمانی است که به منظور همیاری در امر آموزش و کارایی برای زنان، درخواست عضویت نمود و هم اکنون فعالیت خود را آغاز نموده است. این استقبال سبب ترمیم و تکامل تدریجی کمیسیون می‌گردد.

ویژگی پنجم این کمیسیون مردمی و بومی بودن اعضاست و این مهم امکان دستیابی به درک صحیح از تواناییها، ایده‌ها، فرهنگ و سنتهای خاص هر منطقه را که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در زندگی انسان اثرگذار می‌باشد، فراهم می‌سازد.

برنامه‌ریزی برای شناخت مسایل زنان در کشورهایی همانند ایران که با قومیتها، مذاهب و تفاوت‌های سنتی بسیار مواجه است؛ ارزش بومی بودن اعضا را روشن می‌سازد چرا که این تفاوت‌های فرهنگی گاه به طرز فاحش و حیرت‌انگیزی نمودار می‌گردد. لذا نمی‌توان با بهره‌گیری از تصویری که هر یک از ما از فرهنگ ملی ایران داریم، اقدام به عمل نمود. بومی بودن و مردمی بودن اعضا کمیسیون و اختیارات خاص

هریک از شعبات در برخورد با مسایل زنان در بالا بردن سطح موفقیت فعالیت‌های کمیسیون بسیار مؤثر است.

ششمین ویژگی کمیسیون را می‌توان در نحوه ارتباط سریع، منطقی و گسترده اعضا با هم و با شعبات سراسر کشور و مرکزیت آن دانست که هر یک به صورت جداگانه بررسی می‌گردد:

شعبه‌های شهرستانی کمیسیون در سطح هر استان از طریق دبیرخانه مرکزی که در استانداری مستقر است در جریان فعالیتها و مسایل یکدیگر قرار گرفته و ضمن استفاده از تجربیات بدست آمده در برنامه‌ریزی کلان برای سطح استان مشارکت می‌نماید. ضمناً اجلاس استانی هر سه ماه یکبار برای تبادل نظر اعضا تشکیل می‌گردد. وسعت جغرافیایی کشور لزوم تقسیم‌بندی منطقه‌ای برای ایجاد ارتباط مستمر با تمام اعضا کمیسیونها را ایجاب نمود و بر این اساس کل کشور به ۵ منطقه؛ مرکزی، شمال غربی، شمال شرقی، جنوب غرب و جنوب شرقی تقسیم گردید که شعبات این مناطق مشترکاً تشکیل جلسه می‌دهند. همچنین سالانه دو اجلاس سراسری در یکی از

استانها تشکیل می‌گردد که زمینه آشنایی تمام اعضا و تبادل افکار، اطلاعات و تجربیات و اتخاذ تصمیمات لازم برای فعالیت کلان را در سطح کشور فراهم ساخته و حضور مؤثرتر و آزادانه‌تر زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و اجرایی کشور را تضمین می‌نماید، همچنین نحوه ارتباط کمیسیون با مقامات بالاتر شایان توجه است.

نظریه حضور معاونین سیاسی-امنیتی در مرکز استانها بعنوان رئیس کمیسیون و فرمانداران در شهرستانها، قابلیت انتقال مباحث مطرح شده در جلسات و مصوبات به بخشهای بالاتر برای اجرا یا جذب نیروهای لازم و یا بودجه‌های مورد نیاز بسیار بالا بوده و از سوی دیگر امکان مشارکت لازم مسئولین را در تلاش برای دستیابی به حقوق زنان فراهم می‌آورد. ارتباط این کمیسیونها با مرکز بطریق مستقیم توسط دبیرخانه هر کمیسیون و یا از طریق دبیرخانه مرکزی استان محقق می‌گردد و بازدیدهای مستمر از فعالیت‌های شعبات توسط اعضا مرکزی در وزارت کشور زمینه ارتباط دو جانبه و مثمرتری را فراهم آورده است.

کارکرد کمیسیونهای امور بانوان

آ - نقش کمیسیون در پیشبرد اهداف فرهنگی - اجتماعی جامعه (از طریق ارتقای سطح آگاهیهای اجتماعی - فرهنگی و سیاسی زنان استان و آگاهسازی جامعه و تصحیح بینش توده مردم درباره جایگاه و نوع فعالیت زنان)

با پذیرش این اصل که تدارک اطلاعات قابل اعتماد و روزآمد جهت تنظیم راهبردها و اجرای سیاستهای برنامه‌ریزی شده امری حیاتی است، ضرورت دریافت و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مشخص در ارتباط با موضوع مورد بررسی و پژوهش مشهودتر می‌گردد. این امر خصوصاً در ارتباط با موضوعات اجتماعی - فرهنگی و سیاسی مصداق می‌یابد، چرا که موضوعاتی کاملاً پیچیده و چون کلافی درهم تنیده هستند که با روش خطا و آزمایش و داشتن اطلاعات سطحی و یک جانبه نمی‌توان در ارتباط با آنها به قضاوت پرداخت، بلکه بایستی جهت شناخت دقیق آنها برنامه‌ای مدبرانه و دقیق تنظیم نمود که رکن اساسی این برنامه	داشتن اطلاعات کافی در باب موضوع می‌باشد. بدین منظور جهت فراهم ساختن چنین زمینه اطلاعاتی در خصوص وضعیت زنان کشورمان همچنین جهت آشنایی بهتر با موقعیت آنان در گذشته و حال و تطور و تحولی که در طول این مدت در موقعیت و وضعیت آنان پدید آمده است، کمیسیون همت خود را مصروف تهیه شناسنامه فرهنگی اجتماعی اقتصادی بانوان با عنایت به عوامل و شاخصهایی که اصولاً در تنظیم راهبردها و خط مشیهای برنامه‌ریزی شده جهت نیل به اهداف توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی به کار می‌آید و در ضمن در چارچوب اهداف و اصول مقدس نظام جمهوری	اسلامی نیز می‌گنجد، در قلمرو اطلاعات موجود و قابل دسترسی نمود. بدون شک بهره‌برداری از نتایج شناسنامه‌ها و برنامه‌ریزی براساس یافته‌های آن زمینه ارتقای سطح آگاهیهای زنان استانها را به تفکیک فراهم آورده و بازتاب طبیعی حرکت ایجاد شده در جامعه برای بانوان، تصحیح بینش توده مردم درباره جایگاه و نوع فعالیت زنان خواهد بود. خلاصه شاخصها و اطلاعاتی که در شناسنامه فرهنگی اجتماعی زنان کشور مورد بررسی قرار گرفته عبارتند از: شاخصهای جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با زیربخشهای خاص خود که در این فرصت به صورت مختصر به توضیح آن می‌پردازیم:
---	--	---

- در بخش شاخصهای جمعیتی، توزیع نسبی جمعیت زنان به حسب گروههای سنی در مناطق شهری، روستایی و عشایری از لحاظ وضعیت تحصیل، تعداد فرزندان، مرگ و میر فرزندان و مرگ و میر زنان مورد توجه قرار گرفته است.

- در بخش شاخصهای فرهنگی. جمعیت زنان کشور بر حسب دین، میزان آشنایی با زبان فارسی، وضع سواد، وضعیت دختران در حال تحصیل در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه

نظری، فنی حرفه‌ای، وضعیت زنان در حال تحصیل برحسب دوره‌های تحصیلی، دانشجویان دختر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بر حسب سن، دوره تحصیلی، رشته تحصیلی، زمان فارغ‌التحصیلی و آخرین مدرک تحصیلی، گروههای عمده رشته تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

- در بخش شاخصهای اجتماعی، توزیع نسبی جمعیت زنان ساکن استان بر حسب گروههای سنی، محل تولد، تابعیت، وضعیت زناشویی، وضع سواد و وضع زناشویی، زنان معلول، سن و تعدد معلولیت، علت و نوع معلولیت، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گشته است.

- در بخش شاخصهای اقتصادی زنان، توزیع نسبی جمعیت زنان برحسب سن، وضع فعالیت در نقاط شهری، روستائی، عشایری و گروههای عمده فعالیتی و شغلی، وضع شغلی، ارتباط سطح سواد و شغل مورد بررسی قرار گرفته است.

ب - شناخت و تحلیل مسایل مبتلابه جامعه زنان از طریق انجام پژوهشهای بنیادی - کاربردی در مراکز استانها و شهرستانها:

جامعه زنان ایران با توجه به گستردگی کشور در ابعاد جغرافیایی و همچنین تنوع فرهنگها، قومیتها، مذاهب، زبان و گویش و درجات متغیر فرهنگ مرد سالاری با مسایل و مشکلات عدیده‌ای روبرو است، این تنوع فرهنگی گاه باعث محدودیت شدید زن در خانه می‌شود بگونه‌ای که هویت و موجودیت او را زیر سؤال می‌برد	و زمانی بعنوان کارگر خانوادگی بدون مزد مطرح می‌گردد و زمانی دیگر در همین جامعه فعالیت اجتماعی و اقتصادی او بدون هیچ اشکالی پذیرفته می‌شود.	راستای شناخت مسایل مبتلابه زنان در نقاط مختلف شهری، روستایی، عشایری و در شرایط فرهنگی متفاوت گام بردارد. قسمت دیگری از مشکلات جامعه زنان ایران، ناشی از جنگی است که ۸ سال تمام همه ابعاد زندگی مردم را تحت شعاع خود قرار داده که بر این اساس آثار ناشی از جنگ را می‌توان در دو بُعد تقسیم‌بندی نمود:
--	--	--

* مشکلات روانی - روحی ناشی از جنگ بروی زنان و خانواده آنها که به‌نوعی در جنگ مشارکت داشته و بهداشت روانی آنان دچار مخاطره شده است.

* مشکلات اقتصادی - معیشتی زنان که گاه بر اثر از بین رفتن زندگی آنان در مناطق جنگی و یا بر اثر ازدست دادن سرپرست خانواده ایجاد شده است.

قابل ذکر است که تاکنون تعداد ۶۰ عنوان تحقیقاتی از سوی کمیسیونها به انجام رسیده است. آنها ما را در جهت رفع صحیح و منطقی مسایل زنان یاری نماید.

ج - نقش کمیسیون در جهت جذب و تحکیم مشارکت سیاسی زنان :

بر اساس اصل مسئولیت آحاد جامعه در برابر سرنوشت خویش و دیگر هموعان که تکلیف شرعی و قانونی تمام مسلمانان است، زن مسلمان ایرانی نیز در قبال شرایط کشور خود و جهان	اسلام مسئولیت داشته و موظف به ادای تکلیف می باشد.	سیاسی زنان کشور از طریق آموزشهای رسمی و غیر رسمی و فراخوانی آنها در جهت مشارکت در تعیین سرنوشت خویش زمینه لازم را برای محقق شدن این اصل فراهم آورد.
کمیسیون امور بانوان در جهت پیاده شدن این اصل تلاش دارد تا از طریق بالا بردن سطح بینش		

د - ایجاد کانونهای فرهنگی - اجتماعی به عنوان عامل اجرا کننده تصمیمات کمیسیونها در بین زنان منطقه

کانونهای فرهنگی - اجتماعی بانوان بمنظور عملی شدن سیاستهای اجرایی کمیسیون امور بانوان در پاییز ۱۳۷۱ تشکیل شد. محورهای فعالیت کانونها با توجه به خصوصیات اجتماعی هر منطقه	تاحدی متفاوت در نظر گرفته شد، اما در کل برای همه کانونها هسته های مشترکی پیش بینی شد که این هسته ها عبارتند از : هسته آموزشهای علمی و حرفه ای، هسته آموزشهای هنری و	فرهنگی، هسته مشاوره و مددکاری، هسته فعالیتهای فوق برنامه و هسته تدارکات و خدمات جنبی که اختصاراً به شرح وظایف هر یک از هسته ها اشاره می گردد :
---	---	--

۱- هسته آموزشهای علمی و حرفه ای شامل سه زیر گروه :

- گروه آموزش علمی
 - گروه آموزش بهداشت خانواده
 - گروه آموزش حرفه ای
- که عمدتاً وظایف این گروهها شامل تنظیم خانواده، بهداشت مادر و کودک، تغذیه، صنایع دستی، ماشین نویسی و ... است.

۲ - هسته مددکاری شامل گروههای :

- مشاوره تربیتی و آموزش کودک و نوجوان
- مشاوره حقوقی و امور خانواده
- مشاوره روانشناسی

۳- هسته آموزشی هنری فرهنگی شامل گروه‌های :

- آموزش هنری شامل کلاسهای نقاشی، خطاطی، طراحی، عکاسی، هنرهای سنتی، موسیقی، تئاتر و سینما
- آموزش فرهنگی شامل کلاسهای قرائت قرآن، تفسیر و حدیث، حقوق زنان در احکام و اسلام.

۴- هسته فعالیتهای فوق برنامه:

- برگزاری مسابقات علمی فرهنگی، برگزاری مراسم و اعیاد، امور ورزشی، سفرهای سیاحتی و زیارتی، امور خیریه، اردوهای آموزشی، نمایش فیلم و تئاتر جزو فعالیت این بخش است.

۵- هسته تدارکات و خدمات جنبی:

- این بخش در حقیقت در خدمت نگهداری کودکان و مادرانی است که در کلاسهای کانون شرکت دارند. فعالیت این هسته شامل امکانات مهد کودک، کلاسهای نقاشی کودک، کلاسهای آمادگی پیش دبستانی است.

در جمع بندی نهایی از بررسی	حیات بخش اسلام و در سایه	تحقق این امر وابسته به ایجاد
کل ساختار، ویژگیها و	نظام جمهوری اسلامی ایران پی	این نگرش در امر توسعه
عملکردهای کمیسیون می توان	برده و بر این اساس دورنمایی	همه جانبه است که زن را
به نقش محوری و مهم حرکت	مثبت و تحول آفرین برای	برای پیشبرد توسعه نخواهیم
خودجوش و نهادینه شده زنان در	مشارکت هرچه گسترده تر و	بلکه توسعه را برای کل اجتماع و
بدست گیری حق تعیین سرنوشت	کارآمدتر زنان ایرانی در امر	به تبع آن برای زنان خواستار
خود در راستای فرامین	توسعه کشور پیش بینی نمود.	باشیم.

فهرست منابع

- ۱- مولانا، حمید. گذر از نوگرایی. تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها
- ۲- گزارش عملکرد کمیسیون امور بانوان در سال ۱۳۷۰
- ۳- گزارش عملکرد کمیسیون امور بانوان در سال ۱۳۷۱
- ۴- طرح پیشنهادی شناسنامه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بانوان